

( 10 )

صحيفة الله المهيمن القيوم  
بسمي المشرق من افق البلاء

این ایام الف قائمه که از قیامش عالم قیام نموده نوحه مینماید و هاء مسکین از دو چشم میگردد و حالت با از ذکر خارج ما اطلع علی اسرار الله الا نفسه اوست عالم و دانا و قادر و توانا معادل جمیع کتب قبل و بعد از قلم اعلی امام وجوه نازل مع ذلک هریک را بغافلۃ نسبت داده‌اند نفسیکه لعمر الله از ادراک آیات الهی عاجز و قاصر است باو نسبت داده و میدهند مباحله در ارض سر امام وجوه کل ظاهر انرا انکار نموده‌اند جمعی از هر قبیل از داخل و خارج در ان یوم حاضر امر بمثابه آفتاب مشرق و لائح مع ذلک بحجبات او هام ان را ستر نموده‌اند یا حیدر علیک بهائی و عنایتی یحیی مع هفتاد نفر در سفر همراه بوده بیعضی نوشته و حضور خود را انکار کرده و متوهمین قبول نموده اند بر قدم شیعه شنیعه مشی نموده و مینمایند ذرهم فی ضلالتهم و او هامهم سبحان الله از قبل گفته‌اند بنت رسول الله روح ما سویه فداه در بیت عثمان نبوده یکی از اجنه بهیئت او ظاهر و با عثمان بوده اگر نفسی سؤال نماید ان ورقه مبارکه چه شده و کجا رفته فبهت الذی کفر علمای قبل و بعد ان حزب چه در قبور خاک و چه در قبور نفس و هوی کل منتظرند که موعود از مقامهای موهومه ظاهر شود اینست شأن ان عباد غافل بسیار حیف است انسان معبود و یا مقصود امثال انقوم واقعشود نامه های شما هر هنگام رسید بعضی جواب بتفصیل از سماء بیان مقصود عالمیان نازل و برخی در عهده تاخیر ماند الامر بیده با یفعل ما یشاء چه میتوان گفت در هر حال تسلیم و رضا محبوب بوده و هست ذکر نفوس موقنه در قمصر را نموده‌اند هر یک بذکر فائز و بآثار قلم اعلی مفتخر این ذکر را اذکار عالم معادله ننماید انا نکیر من هذا المقام علی وجوههم و نذکرهم بآیاتی و نبشرهم بعنایتی و نوصیهم بالاستقامة الکبری و بالامانة التي جعلها الله شمس الاعمال

یا حیدر علیک بهاء الله مالک القدر در یکی از الواح این کلمه علیا بلسان پارسی نازل ناصح امین میفرماید یا اولیاء الله تمسک نمائید بانچه سبب ارتفاع کلمه و علت انتشار امر است امروز نصرت بجنود اعمال و اخلاق مقرر گشته و از قلم اعلی در زبر و الواح ثبت شده هذه من سنة الله فی هذا الظهور الاعظم و لن تجد لسنته تبديلا و لا تحویلا هذا حکم جعله الله محفوظا من کلمة یمحو الله ما یشاء و مزینا بطراز یتثبت و عنده ام الکتاب طوبی از برای نفسیکه باین حکم محکم تمسک نمود و بصر و سمع و لسان و قلب را از آنچه نهی شده محفوظ داشت قل یا قوم لعمر الله بصر از برای مشاهده آثار و لسان از برای اذکار و سمع از برای اصغا و قلب از برای اقبال خلق شده اعرفوا و لا تکونوا من الغافلین قدر ایام الهی را

بدانید لعمر الله مثل آن دیده نشده و از عدم بوجود نیامده و همچنین اولیای ارض کاف را ذکر نمودند نشهد انهم فازوا بعرفانی و نطقوا بثنائی و اقبلوا الی افقی نسئل الله ان یمدهم بجنود الغیب و الشهادة و یؤیدهم علی الاستقامة و یقر بهم الیه فی الدنیا و الآخرة انه هو الغفور الرحیم کبر من قبل المظلوم علیهم و بشرهم بما انزل لهم فی هذا الحین المبین جناب امین علیه بهائی و عنایتی در هر کره ذکر شما را نموده و طلب مدد و عنایت و رحمت کرده لله الحمد ان جناب فائزند بانچه که عرف رضا از ان متضوع و همچنین ذکر حزب الله را در دولت آباد نموده اند مکرر ذکر ایشان از قلم جاری اسامی مذکوره هر یک بذکر و توجه مظلوم فائز نسئل الله تعالی ان یوفقهم و یؤیدهم علی ما یحب و یرضی و یجعلهم من الذین ما منعتهم شبهات العمائم و اشارات الذین کفروا بیوم الدین

یا حیدر معرضین بیان تفکر ننموده اند که در قرون و اعصار قبل بچه تمسک نموده اند و جزا در یوم جزا چه بود قد خسر الذین کذبوا بایام الله و اعرضوا عن الحق بما اتبعوا کل مشرک بعید خاصه مجدد اینقوم بی وفا متابعت هادی دولت آبادی و باقر اصفهانی که در ارض طا موجود است نموده اند مع انکه این دو غافل از اصل امر بیخبر و محجوبند ایکاش بمثل خودی تمسک مینمودند و خلق بیچاره را بخود میگذاشتند بگو یا هادی اتق الله و لا تستر الامر و لا تتمسک بما تشتهیه نفسک ستر مکن جزیره رفتی و دیدی بر خود مشتبه منما ریاست منعت ننماید خرق کن حجاب غفلت را و بعضد یقین صنم وهم را بشکن قسم بأفتاب حقیقت که از اعلی افق عالم اشراق نموده لوجه الله میگویم تو آگاه نیستی درقبل تفکر نما که راوی وجود قائم یکی از انات بوده چند نفر از اهل عمائم با او اتفاق نموده جعفر را تکذیب نمودند و ناحیه مقدسه و جابلقا و جابلصا ترتیب دادند و ناس بیچاره را از نفحات وحی ربانی در ایام الهی محروم نمودند طوبی از برای نفوسیکه از جمیع جهات منقطع و بافق اعلی وحده توجه نموده اند ایشانند مظاهر تقوی و مشارق امانت و صدق و وفا

یا حیدر قبل علی امر اینمظلوم عظیم است چه که نه با امراء مداهنه نمود و نه با علما حق و امرش را ستر نفرمود در سجن اعظم ظاهرها باهرا اظهار داشت آنچه را که مخالف نفس و هوای اهل ارض است الا من نبذ ما سوی الله و اخذ ما امر به من لدن علیم حکیم ذکر جناب اشرف علیه بهائی و عنایتی را نمودی در آخر لوح او را ذکر مینمائیم جناب افنان الذی یطوف حولی نامه ایشان را بحضور فرستاد ان نامه که در جواب احمد غافل نوشته بود مکرر از قبل و بعد باصغا فائز طوبی له و نعیم له قد نطق بالحق یشهد بذلک اهل مدائن العدل و الانصاف و اهل الجبروت و الملکوت نسئل الله ان یوفقه فی کل الاحوال و به یفتح ابواب القلوب انه هو المقتدر المهیمن القیوم کبر من قبلی علی وجهه و علی ابنه الذی سمی

بالحسين في كتاب الله رب العالمين يا ايها الطائر في هوائى دوستان را فردا فردا از قبل مظلوم تكبير برسان و بفضل و عنایت و رحمت حق بشارت ده انه هو الفضال الكريم و هو الغفور الرحيم البهء المشرق من افق سماء فضلى عليك و على الذين سمعوا النداء و اقبلوا الى الافق الاعلى بوجوه بيضاء و قلوب نوراء الا انهم من المخلصين في كتاب الله العزيز العظيم

يا حيدر قبل على مرة اخرى صرير قلم اعلى را بشنو انه يجذب القلوب و ينورها بنور معرفة الله رب العالمين كن مبشرا باسمى و ناطقا بين عبادى بذكرى الحكيم اشهد انك فزت بعرفان الله و تبليغ امره و ظهر منك ما انجذبت به افئدة المقبلين قد حضر كتابك الذى ارسلته الى اسم الجود و عرضه العبد الحاضر لى الوجه اجنالك بما ينادى بين السموات و الارضين تالله قداى سلطان البيان و منزله و مرسله انه هو احكم الحاكمين طوبى لعبد ما منعه المعرضون عن الاقبال الى الفرد الخبير و طوبى لعبد نبذ العالم متمسكا بتوحيد الله رب العرش العظيم انا انزلنا لك ما لا يحصيه احد اشكر ربك بهذا الفضل المبين و اما ما ذكرت عباد الله فى الطاء و الرأ نسئل الله ان يؤيدهم على ما يحب و يرضى و يجعلهم من الذين ما منعهم مفتريات العلماء عن التوجه الى الله العزيز الحميد نبذوا ما عندهم و اخذوا ما امروا به فى كتاب الله المقدر القدير

يا اهل طار بشنويد ندای مظلومرا قسم بأفتاب حقيقت لوجه الله نطق مينمايد وارد شد بر او انچه كه بر احدى وارد نه بلاياى ارض رافى سبيل الله لاجل نجات عالم و تهذيب امم قبول نمود آنى خود را ستر نمود و باعلى النداء امر الله را من غير ستر و حجاب بر كل عرضه داشت بعضى قبول نمودند و برخى نظر باوهامات حزب قبل از صراط لغزیدند از قبل مظلوم عباد را تكبير برسان بگو يا قوم اگر اهل بيانيد جوهرش اينكلمه علياست كه از لسان نقطه اولى روح ما سويه فداه جارى و نازلشده ميفرمايد و قد كتبت جوهره فى ذكره و هو انه لا يستشار باشارتى و لا بما ذكر فى البيان و اگر اهل فرقانيد ميفرمايد ان اخرج القوم من الظلمات الى النور و ذكرهم بايام الله و اگر اهل بصريد منظر اكبر بمثابه آفتاب مشرق و لائح و سدره باثمار لا تحصى امام وجوه ظاهر و مرتفع و بحر بامواج برهان مشهود بشنويد ندای ناصح امين را و بمثابه حزب قبل خود را از معرفة الله و توحيد حقيقى محروم نمائيد سالها يا حق گفتند و چون از افق عالم ظاهر و مشرق بر اطفاء نورش كمر بستند و بر ضررش قيام نمودند و بالاخره بنار بغضا و سيف جفا شهيدش كردند سبب و علت علمای حزب قبل بوده و هستند چنانچه مشاهده نموده و مينمائيد عمل نمودند انچه را كه هيچ ظالمى عمل ننمود از بر و تقوى گذشتند و بنفس و هوى مشغول نير عدل و انصاف از ظلم ان نفوس خلف حجاب غليظ مبتلا از حق ميطلبيم عالم را بتجليات انوار نير عدل منور فرمايد ذكر جناب غلامعلى عليه بهائى مذکور طوبى له و لابنه ذكرهما بما نزل من قلمى و بشرهما برحمتى و عنائتى

نسئل الله ان يؤيد الغلام على خرق حجابات اوهام الانام و يجعله من الذين نصرُوا امرالله رب الكرسی الرفیع چندی قبل نامه او كه باسمی مهدی علیه بهائی نوشته بود در ساحت اقدس حاضر و بلحاظ عنایت فائز لله الحمد عرف خضوع و خشوع و استقامت از هر کلمه از کلماتش متضوع انا ذکرناه فی الواح شتی و ایدناه علی الحضور و قربناه الی مقام کان امل المخلصین و المقربین از حق میطلبیم او را تأیید فرماید بشأنیکه در لیلی و ایام بخدمت مشغول باشد نشهد انه خلق لذلك

یا حیدر قبل علی انا امضینا ما ذکرته فی الضیافة انه هو الفیاض الکریم و نذکر الصاد علیه بهائی و عنایتی الذی فاز بما کان مسطوراً فی صحف الله لله الحمد در سجن اعظم مذکورند و بعنایت فائز نسئل الله ان یرفعه باسمه و يجعله ذکراً بین عباده انه هو المقنن القدر این ایام نامهای ایشان هم رسید انشاء الله جواب ارسال میشود لیفرح و یکون من الشاکرین اهل بیت در جمیع مقامات عالیه و جنات مرتفعه مذکور بوده و هستند طوبی لهم و ویل للغافلین

یا حیدر قبل علی امانت باید باو راجع شود هذا ما حکم به المظلوم من قبل و فی هذا الحین اسمع و کن من العاملین ذکر ابناء خلیل و ابناء زردشت علیهم بهاء الله و عنایته را در ارض کاف نمودید که بهدایت نفسین محمد و حسین علیهما بهاء الله و رحمته فائز گشته اند و بشرط سجن اقبال کرده اند طوبی لهما و نعیماً لهما قد فازا بما امرنا به فی الزبر و الالواح بشرهما ثم الذین آمنوا بذکر المظلوم و اقباله الیهم لیفرحوا و یکونوا من الذین طاروا باجنحة الاشتیاق فی هواء محبة الله مالک یوم الدین یا حیدر قبل علی بعضی از آن نفوس لله الحمد بنور عرفان منورند و بامر الله متمسک و برخی صاحب دو وجهند ان ربک یعلم و یستر و هو الستار الغفور الرحیم

انا نذکر من سمی باقا بابا و نسئل الله ان يجعله من الذین آثروا احبآء الله علی انفسهم و عملوا ما امروا به فی الکتاب امرنا من لدن علیم حکیم انشاء الله مؤید شود بر آنچه سبب اعلاء کلمة الله است اگر مالک بود جمیع عالمرا و در راه دوست انفاق مینمود باین کلمات منزلات معادله نمیکرد له ان یشکر الله ربه فی العشی و الاشراق و فی البکور و الاصلیل

اولیای مازکانرا از قبل مظلوم تکبیر برسان انا ذکرناهم من قبل بذکر لا یفنی و لا ینفد کبر علیهم من قبلی و بشرهم بآیاتی و فضلی و رحمتی نسئل الله ان یمدهم و یؤیدهم علی الاستقامة الکبری انه علی کل شیء قدير

و نذكر من سمى بملا ميرزا و الذين آمنوا بالله الفرد الخبير طوبى لمن طهر نفسه بماء الانقطاع و زين رأسه باكليل التقوى و قام على تبليغ الامر بالحكمة و البيان لعمرى انه من اهل البهَاء فى قيوم الاسماء الذى نزل فى هذا الذكر العظيم و الامر المحكم المتين نسئله تعالى ان يكتب له اجر من قام امام الوجه لينفق ايامه فى ذكر ربه و يكون من الفائزين

يا مشهدى حسن ذكرك من احبنى و فاز بذكرى و خدمتى و لقاى عليه بهائى و على الذين اعترفوا بما نطق به جمال القدم فى هذا المنظر المنير يا مشهدى حسن اسمع نداء المظلوم انه ظهر باسمه القيوم و نطق بين العباد بما امر به من لدى الله فاطر الارضين و السموات افرح بذكرى اياك و قل لك الحمد يا مقصود العالم بما ذكرتنى اذ كنت فى اخب البلاء اسئلك ان تؤيدنى على ذكرك و ثنائك و الاستقامة على امرك الذى به احترقت افئدة الاشرار

يا حيدر قبل على اولياى هر ارض را از قبل مظلوم تكبير و سلام برسان بعنايتش مسرور دار و بنور امرش منور انه مع اوليائه اينما كانوا يشهد بذلك لسانى و قلمى و الذين طافوا عرش الله الاعظم ان ربك هو الغفور الرحيم و البهَاء من لدنا مرة اخرى عليك و على من يسمع قولك فى امر الله العزيز الحميد